

تعیین جایگاه و نقش برخی رویکردهای کتابدارانه در مطالعات جامعه‌شناسی علم

• محمد زره ساز

چکیده

جامعه‌شناسی علم، به مطالعه رابطه موجود میان فضای علم - که کتابخانه یکی از عناصر تشکیل دهنده آن می‌باشد - و اجزای مختلف جامعه می‌پردازد. بدین ترتیب تمام مطالعاتی که در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی به بررسی این رابطه بپردازد در حوزه جامعه‌شناسی علم قرار می‌گیرد. از سوی دیگر «قشر بندی اجتماعی در علم» و «نظام ارتباطی در علم» دو موضوع با اهمیت در مباحث حوزه جامعه‌شناسی علم می‌باشند که مطالعات علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی (بویژه از نظر تهیه منابع مرجع) در شکل‌گیری و توسعه آنها نقش بسزایی دارند.

مقدمه

کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی با نگهداشت و ترویج حافظه مضبوط بشری و ارائه خدمات به حوزه گسترده کاربران خویش (اعم از دانشمندان، دانش پژوهان، افراد عادی و...) نقش برجسته و مهمی را در جامعه بشری بر عهده دارند. علوم از طریق ثبت و ضبط در محافل اطلاعاتی برای استفاده حال و آتی جامعه بشری در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی ذخیره‌سازی، پردازش و اشاعه می‌شوند و در حقیقت به نوعی نظم ساخت یافته دست می‌یابند که بر اساس آن جایگاه هر فکر و اندیشه در شبکه علمی هر حوزه مشخص و زمینه توسعه ساختمان آن در جامعه علمی فراهم می‌گردد. از سوی دیگر منابع و خدمات مرجع نیز دارای نقش برجسته‌ای در مباحث جامعه‌شناسی علم می‌باشند که برای روشن‌تر شدن بحث، نخست به تعاریف مختلف جامعه‌شناسی علم می‌پردازیم.

کاپلان جامعه‌شناسی علم را رشته‌ای از جامعه‌شناسی معرفی می‌کند که روابط متقابل میان علم و جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهد. نحوه تاثیرگذاری علم بر ارزشها، آموزش و پرورش، ساخت طبقاتی، شیوه زندگی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و شیوه‌های نگرش به جهان و همچنین نحوه اثرگذاری جامعه بر رشد و توسعه علم در حوزه جامعه‌شناسی علم بررسی می‌شود.

(Kaplan, 1988) به تعبیری دقیق‌تر می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که موضوع جامعه‌شناسی علم عبارتست از بررسی علم به عنوان یک نهاد اجتماعی، نظام روابط اجتماعی در قلمرو علم، پیوندهای آن با جامعه. جامعه‌شناسی علم در صدد برقراری رابطه میان ویژگیهای اجتماعی علم و فعالیت علمی از یک طرف و خصلت‌های معرفت

شناسانه از طرف دیگر است. افزون بر این، انجام بررسی‌هایی در زمینه ماهیت اجتماعی شناخت علم، عوامل اجتماعی مشروط کننده رشد علمی، ویژگیهای فعالیت‌ها و روابط علمی، بررسی در حیطه فوق را تکمیل می‌نماید. (Farkas, 1979)

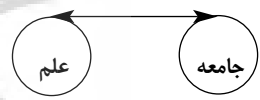
زاکرمن، زمینه موضوعی مطالعه در جامعه‌شناسی علم را به سه قسمت تقسیم می‌کند: ۱- موضوعات مربوط به سازمان اجتماعی و شناختی کار علمی. ۲- موضوعات مربوط به جامعه‌شناسی شناخت علمی؛ ۳- روابط متقابل میان علم و مجموعه شرایط اجتماعی مربوط به آن، نتایج اجتماعی علم و تاثیر سایر نهادهای اجتماعی و فرهنگی بر علم. (Zakerman, 1989) به عبارت کلی‌تر، زمینه‌های اصلی مطالعه در جامعه‌شناسی علم عبارتند از روابط علم با سایر نهادهای اجتماعی، علم و سایر ابعاد فرهنگ، نظام روابط اجتماعی در قلمرو علم، ماهیت اجتماعی شناخت علمی، عوامل اجتماعی مرتبط با رشد علم، ساخت اجتماعی مشاغل علمی، سازمانهای اجتماعی علم، و قشر بندی اجتماعی در علم (محسنی، ۱۳۷۲).

برخی جامعه‌شناسان دیگر نیز از جامعه‌شناسی علم دو تعریف ارائه می‌دهند: یکی تعریف کلاسیک است که بیان می‌کند جامعه‌شناسی علم عبارتست از مطالعه و بررسی در مورد روابط بین فضای علم (و عناصر آن از قبیل: دانشمندان، نهادهای آموزشی و پژوهشی، موسسات علم، دانشگاه‌های، کتابخانه‌ها، هنجارهای علمی، جو علمی و...) و جامعه (با اجزاء آن: افراد، امکانات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، دینی، پارامترهای تاریخی، نظامی، فکری و غیر آن)

طرح شماتیک این تعریف عبارت خواهد بود از:



تاریخی‌اش رقم می‌خورد. قطب اقتصادی به وسیله نظام‌های تولید ایجاد می‌شود. جامعه، به واسطه این نظام‌ها، برای حل مسائل مربوط به بقای خود، از طریق تامین کالاها و خدمات مورد نیاز اعضایش که ضامن بقای زیستی، کنش متقابل و مشارکت در زندگی اجتماعی است تلاش می‌کند. و در نهایت، قطب فرهنگی متشکل از نظام‌هایی است که ضامن عملکرد بخشی است که آن را «بعداطلاعاتی زندگی اجتماعی» می‌نامیم، به عبارت دیگر نظام‌هایی که به منزله واسطه‌های معنایی عمل می‌کنند. این قطب، به طور اساسی در برگرفته ارزش‌ها، معیارها، نظام‌های بازنمایی، هنرهای مختلف (هنر و فنون در مفهوم وسیعش که به مهارت‌های خاص نیاز دارد)، نظام‌های بیانی و نظام‌های نمادی است... به نظر می‌رسد علم و تکنولوژی در صورتی موجب ایجاد تغییرات در وضعیت نظام اجتماعی می‌شوند که خود در چارچوب همان نظام به طور ملموس عرضه شوند. در حقیقت، علم و تکنولوژی به واسطه گروه‌هایی عرضه شوند که به منظور ارتقای سطح پژوهش علمی و تکنولوژیکی سازماندهی شده‌اند. این گروه‌های نهادی شده، به طرق مختلف به سه قطبی متصلند که نظام اجتماعی حول آن سازماندهی می‌شود. اگر علم در آغاز، تنها برای تعدادی افراد خاص یا گروه‌های بسیار بسته، مانند دانشگاهیان مطرح بود، اخیراً به پدیده اجتماعی مستقل و گسترده‌ای تبدیل شده است که دیگر نمایانگر بخش ناچیزی از فعالیت جامعه نیست. اینک تحقیق به صورت یک حرفه سازماندهی می‌شود و عموماً بصورت گروهی انجام می‌گیرد و در سطح وسیعتر گروه‌های پژوهشی به یکدیگر ملحق می‌شوند و واحدهای بزرگتری را بوجود می‌آورند (ویا به وسیله گروه‌های



اما تعریف دوم، تعریفی سیستماتیک است از جامعه‌شناسی علم، و آن عبارت است از در نظر گرفتن فضای اجزاء علم بعنوان یک سیستم. آنگاه جامعه‌شناسی علم عبارت خواهد بود از مطالعه روابط جمعی بین عناصر این سیستم. فی المثل مطالعه روابط بین رسمیت یافتن نظریه‌های علمی و مجلات علمی (توکل، ۱۳۷۰). طرح شماتیک این تعریف عبارت خواهد بود از:



بنابر تعریف کلاسیک بسیاری از مطالعات حوزه کتابداری که به بررسی روابط میان عناصر کتابخانه‌ای و اجزاء اجتماعی می‌پردازد در حوزه جامعه‌شناسی علم قرار می‌گیرد. و بر اساس تعریف دوم که سیستماتیک می‌باشد می‌توان تصور دیگری نیز از حوزه جامعه‌شناسی علم ارائه داد. بر این اساس کل جامعه به صورت نظام بزرگتری متشکل از سه خرده نظام اصلی و خرده نظام‌های تخصصی فرعی‌تر در نظر گرفته می‌شد. این سه قطب یا خرده نظام عبارتند از: قطب سیاسی، قطب اقتصادی، و قطب فرهنگی. قطب سیاسی متشکل از نظام‌های قدرت است یعنی دربرگیرنده نظام‌هایی است که جامعه را قادر به اتخاذ تصمیماتی می‌سازد که در عمل و به‌طور قانونی بر عهده‌اش است و بر اساس آنها سرنوشت

بزرگ‌تر تقویت می‌شوند). بدین ترتیب واحدهایی شکل می‌گیرند که آنها را عموماً مراکز پژوهشی می‌نامیم. علاوه بر سازمانهای کاملاً پژوهشی، باید به موسسات ملی و بین‌المللی متعددی اشاره کرد که در آنها، دانشمندان یک رشته یا رشته‌های متعدد گرد هم آمده‌اند تا به پیشرفت رشته‌های مورد نظر خود (از طریق تبادل نظرهای شخصی، برگزاری کنفرانس‌ها و انتشار مجله‌های تخصصی) و تقویت علائق حرفه‌ای کارکنان پژوهشی (مانند موارد مربوط به سازمانهای حرفه‌ای کارکنان پژوهشی) و ایجاد خط مشی جمعی در جهت کمک به ایفای نقش اخلاقی و اجتماعی دانشمندان یاری رسانند. به واسطه همین گروهها و سازمانها بستر لازم برای کنش متقابل نظام علمی و تکنولوژیکی و سه قطب نظام اجتماعی فراهم می‌شود (دلادری، ۱۳۸۰). در حوزه کتابداری و اطلاع رسانی می‌توان از انجمن‌های علمی و حرفه‌ای بین‌المللی و ملی نام برد که این کنش میان نظام علمی کتابداری و قطبهای اجتماعی را برقرار می‌سازند و در این راستا دارای نقش برجسته‌ای در مطالعات جامعه‌شناسانه این حوزه می‌باشند. آنها قادرند با شناسایی نیازمندی قطب‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع و راستابخشی به مطالعات و تحقیقات حوزه علوم کتابداری و اطلاع رسانی، اتصالات درستی رامیان فضای پژوهشی حوزه و نیازمندیهای اجتماعی آن پدید آورند و از این طریق به بالا روی اعتبار و منزلت اجتماعی حرفه و پژوهشگران کمک نمایند.

از سوی دیگر امروزه در جوامع نوین، با توجه به کل زیرساخت سازمانی پژوهش، تولید دانش علمی همان مفهوم تولید کالاها و خدمات را در حوزه اقتصادی پیدا کرده است و در این راستا کتابخانه و منابع کتابخانه‌ای و همچنین مطالعات و تحقیقات حوزه کتابداری و اطلاع رسانی نقش بسزایی را در جامعه دانش مدار نوین بر عهده گرفته است. از مسائل مطرح در جامعه لیاقت سالار و دانش مدار و حوزه جامعه‌شناسی علم مسئله قشر بندی اجتماعی در علم می‌باشد که به آن می‌پردازیم.

قشر بندی اجتماعی در علم

جامعه علمی شامل دسته واحدی که متشکل از افراد دارای شرایط مساوی باشند نیست. جامعه علمی به شکل کاملاً مشخصی قشر بندی گردیده است. گروه اندکی از دانشمندان به گونه‌ای کاملاً نامشابه با دیگران در پیشبرد علم مشارکت دارند و به گونه‌ای کاملاً نامشابه نیز از امتیازات، پاداشها، و منابع مورد نیاز برای کارهای پژوهشی بهره می‌برند. علاوه بر این در طول سال‌های گذشته این عدم تساویها رو به افزایش بوده است (Zukerman 1989). خیلی از پژوهشگران و البته نه همه عقیده دارند که امتیازات در اغلب موارد به کسانی تعلق گرفته است که مشارکت بیشتری در رشد علم داشته‌اند. نتیجه عقاید این گروهها این می‌شود که «لیاقت سالاری» (Meritocracy) در علم از سایر نهادها اجتماعی بیشتر است. قشر بندی در علم حالتی بسیار پیچیده و عجیب دارد. افراد، گروهها، آزمایشگاهها، موسسهها، دانشگاهها، مجلهها، رشتهها و تخصصها،

تئوریهها و روشها در معرض رتبه بندی بی وقفه هستند و از نظر اعتبار اجتماعی به نحو مشخصی درجه بندی می‌شوند. حتی امتیازاتی که از بابت مشارکت علمی به علما تعلق می‌گیرد نیز درجه بندی می‌شود (Zukerman 1989).

تایید اعتبار یک کار علمی با امتیازات و افتخاراتی نظیر جایزه، بورس مطالعاتی، صدور مجوز تدریس، اعطای مقام استادی، و نام‌گذاری یافته علمی نیز در رابطه است.... به طور کلی تعداد انتشارات علمی و نیز استناد به این انتشارات از عوامل کسب وجهه علمی و ارج گذاری و امتیازگیری می‌باشد. حوزه کتابداری و اطلاع رسانی باتدوین قواعد و تولید کتابشناسیها، مقاله نامهها، استنادنامهها و کتابنامهها و.... به روند امتیاز دهی علمی کمک می‌کند. و تهیه کتابشناسیهای مولفین حوزه فعالیت افراد را در حوزههای تخصصی خود نشان می‌دهد و تا حدی نقش آنها را در پیشبرد آن حوزه بیان می‌کند. استناد نامهها از منابع بسیار مهم و با ارزش در ردگیری یک تفکر و یک اندیشه در آثار دیگران می‌باشد. با ردگیری و ردیابی آثار یک فرد در آثار دیگران می‌توان به ارزش و اعتبار علمی و نقش و تاثیر وی در حوزه تخصصی مورد نظر واقف شد و به شناسایی افراد هسته در حوزههای تخصصی یاری نمود و یا می‌توان میزان استناد به آثار موسسات پژوهشی مختلف یک کشور را بدست آورد و بدین ترتیب موسسات پژوهشی هسته کشور را شناسایی و امکانات و حمایتها و منابع بیشتری را به آنها اختصاص داد. بدین ترتیب دانشمندان و موسساتی که در این نظام در شرایط نامساوی قرار دارند از نظر امکان انجام پژوهش و مشارکت علمی نیز با عدم تساوی مواجه هستند. آنهایی که در گذشته خوب کار کرده‌اند در آینده نیز شانس بهتری دارند، و به این اعتبار است که لیاقت سالاری، زمینه را برای قشر بندی هموار می‌کند.

همچنین در زمینه سنجش تولیدات علمی، منابع مرجع (همانند کتابشناسیها، مقاله نامهها، استناد نامهها و...) می‌توانند با مشخص نمودن کمیت و کیفیت تولیدات علمی (کتاب، مقاله، پایان نامه، طرحهای پژوهشی و...) کشور و میزان استناد به آنها (با استفاده از استناد نامهها) و مشخص نمودن رتبه بندی هایی که دیگران برای آن منابع انجام داده‌اند (توسط منابع نقد و بررسی، چکیده‌های انتقادی و...) به سنجش تولیدات علمی یک جامعه کمک نمایند و سنجش تولیدات علمی می‌تواند از نقشهای مهم متخصصان اطلاع‌رسانی و کتابداری محسوب شود.

نظام ارتباطی در علم

واضح است که ارتباطات یکی از اساسی‌ترین بخش های نظام اجتماعی در علم است. باید بدانیم که در طی چند دهه اخیر جنبه‌های فنی امر ارتباطات ناشی از ادامه انفجار انتشارات، توجه گروه‌های زیادی را به خود جلب کرده است، مواردی مانند امرواجرای انتشارات علمی وفنی، مدیریت پیچیده مجلات و....

ارتباط علمی فرآیندی است که به موجب آن پیام‌های علمی از منابع به گیرنده انتقال می‌یابد، و عناصر اصلی آن مانند هر

نتیجه گیری

همانگونه که بررسی کردیم برخی از مطالعات و تحقیقات حوزه کتابداری و اطلاع رسانی در بستر جامعه شناسی علم می توانند به ساخت جامعه لیاقت سالار و دانش مدار کمک نمایند. تهیه منابع مرجع ردیف اول و ردیف دوم (مانند دایره المعارفها، کتابشناسیها، مقاله نامهها، استناد نامهها) که از قواعد کتابدارانه در تهیه آنها استفاده می شود می تواند نقش موثری را در شناسایی پژوهشگران و موسسات پژوهشی هسته هر حوزه علمی و ردگیری تفکرات و اندیشه های خاص آن حوزه داشته باشد. سنجش تولیدات یک حوزه علمی با استفاده از منابع مرجع (چون کتابشناسیها، مقاله نامهها، استنادنامهها و...) و سایر منابع اطلاعاتی از جمله مطالعات حوزه کتابداری و اطلاع رسانی می باشد که به ساخت جامعه دانش مداریری می رساند. همچنین مراکز اطلاع رسانی علمی چون کتابخانهها تمام تلاش خود را به منظور برقراری جریان آزاد اطلاعات علمی میان تولید کنندگان و پژوهشگران انجام می دهند. متخصصان حوزه کتابداری و اطلاع رسانی با ابداع فنون و روشهای جدید ارتباطی میان مصرف کنندگان با اطلاعات و اصلاح روشهای قبلی توزیع سودمند اطلاعات را سهولت می بخشند.

فهرست منابع و مآخذ

- توکل، محمد، جامعه شناسی علم، تهران: نص، ۱۳۷۰.
- داورپناه، محمدرضا «رویکرد اجتماعی - فرهنگی و تاریخی در مطالعه کتابشناختی و منابع مرجع». فصلنامه کتاب، دوره سیزدهم، ۲ (تابستان ۱۳۸۱): ۹۵-۱۰۳.
- دلادریز، ژان. رویارویی علم و تکنولوژی با فرهنگها. ترجمه پروانه سپرده. تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۰.
- راجرز، اورت؛ و... . رسانش نوآوریها. ترجمه عزت اله کرمی و... . شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹.
- سهرابی، احمد علی. «تحقیقات ارتباطات». نشریه علمی و فنی امیر کبیر. سال دوم، ۸ (۱۳۶۶). ص: ۲۴۹.
- _ Farkas J. Sociology of science and research. Budapest: Akademiai kiado. 1979.
- _ Kaplan, N. Sociology of science. in: Farris R. E. L. Handbook of modern sociology. Chicago: Rand McNally 1988.
- _ Lazer J. La science de la communication. Paris: P.U.F. 1992.
- _ Zukerman, H. The sociology of science. in: Smelser N. J. Handbook of sociology. London: Sage 1989. P: 513.

پی نوشت:

1 _ Semantic media

شکل دیگری از ارتباط، عبارتند از: منبع، پیام، کانال ارتباطی و گیرنده پیام (راجرز، ۱۳۶۹).

باتوجه به اهمیت کانالهای ارتباطی در علم، ضروری است اشاره کنیم که «لازار» (J. Lazar) پژوهشگر فرانسوی در کتاب «علم ارتباط» طبقه بندی زیر را از انواع کانالهای ارتباطی ارائه کرده است: ۱- زبان، ۲- علائم، شامل: سمبلها، تصاویر، عکسها، طرحها، ۳- فنون، یعنی: خط، چاپ، پست، تلفن، وسایل سمعی و بصری، و کامپیوتر (Lazar, 1992)

یکی از پژوهشگران ایرانی در اهمیت وجود یک نظام هماهنگ ارتباطی میان پژوهشگران داخلی و خارجی می نویسد: «تحقیقات جدی وقتی امکان پذیر است که ارتباطات علمی و تحقیقات مستمر بین پژوهشگران مملکت با دنیای خارج برقرار باشد. در غیر این صورت اغلب اتفاق خواهد افتاد که تحقیقات شروع شده در وسط کار ناتمام مانده یا از کیفیت لازم برخوردار نباشد و یا جالب تر اینکه قاره آمریکا که پانصد سال پیش توسط کریستف کلمب کشف شده است چند بار دیگر نیز کشف گردد.» (سهرابی، ۱۳۶۶).

از مهمترین زمینه های بنیادی در ارتباطات علمی، وجود مراکز اطلاع رسانی علمی (کتابخانهها و...) به منظور برقراری جریان آزاد اطلاعات علمی میان تولید کنندگان و پژوهشگران است. دسترسی به منابع مختلف مانند چکیده نامهها، مجلات، کتب، گزارشها، منوگرافها، فهرستها، پایان نامهها، روزنامهها، و خلاصه مقالات سخنرانیها و کنفرانسها در رشته های مختلف علوم و فنون نیازمند بکارگیری نرم افزارهای کامپیوتری خاص است که حصول به آن مستلزم فعالیتهای متعدد بنیادی قبلی است (محسنی، ۱۳۷۲). فنون ذخیره و بازیابی اطلاعات و فنون کاوش از جمله فنونی می باشند که در حوزه علوم کتابداری و اطلاع رسانی به منظور استحکام بخشی به ارتباط ذکر شده مطالعه می شوند و بسیاری از نرم افزارها با توجه به این فنون طراحی می شوند. در حالی که کارشناسان حرفه ای امور و مسائل ارتباطی مانند مسئولان کتابخانهها، ویراستاران، چکیده نویسان (کسانی که خلاصه مقالات و کتب را تهیه می کنند) و گروه های دیگر در جستجوی راه هایی در جهت بهبود ارتباطات از طریق وسایل الکترونیکی و یا سایر دستگاهها هستند، جامعه شناسان به شبکه روابط اجتماعی که ارتباطات علمی در آن صورت می گیرد، و نیز نارسائیهای ناشی از محدود کردن انحصاری کانالهای ارتباطی به وسایل ارتباطی رسمی توجه دارند (محسنی، ۱۳۷۲).

به هر حال متخصصان حوزه کتابداری و اطلاع رسانی و حوزه علوم رایانه می توانند فنون و روشهای جدیدی را به منظور مرتبط کردن مصرف کنندگان با اطلاعات مورد نیاز آنها بوجود آورند و یا روشهای پیشین را تکمیل نمایند و بدین ترتیب توزیع اطلاعات سودمند را در میان جامعه علمی و نیازمندان اطلاعاتی سهولت و تسریع بخشند و از این طریق نقش مهمی را در ساختار جامعه علمی ایفا نمایند.